دفاع از حریم قرآن

محمد جواد فاضل لنکرانی

بسم الله الرحمن الرحیم

دفاع از حریم قرآن

نویسنده:

محمد فاضل لنکرانی

ناشر چاپی:

عقل سرخ

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

دفاع از حریم قرآن

مشخصات کتاب

سرشناسه : فاضل موحدی لنکرانی، محمد، - ۱۳۱۰

عنوان و نام پدیدآور : دفاع از حریم قرآن/ محمدجواد فاضل لنکرانی

مشخصات نشر : قم: عقل سرخ، ۱۳۸۱.

مشخصات ظاهری : [۶۴] ص

شابک : ۹۶۴-۹۴۶۰۱-۰-۰-۱۶۰۰۰ریال

وضعیت فهرست نویسی : فهرستنویسی قبلی

یادداشت : کتابنامه: ص. []۶۴ - ۶۳

موضوع : قرآن -- تحریف

موضوع : قرآن -- دفاعیه‌ها و ردیه‌ها

رده بندی کنگره : BP۸۹/۲/ف۲د۷ ۱۳۸۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۵۹

شماره کتابشناسی ملی : م۸۱-۴۱۶۹۲

پیشگفتار

خدای بزرگ را سپاسگزاریم که ما را منّت نهاد و سزاوار حمل امانت بزرگ خلقت، تنها معجزه ابدی خاتمیت، آن سفره همیشه گسترده آکنده از حقایق از ازل تا به ابد، یعنی قرآن کریم گردانید که حقاً کرامت انسان به برکت نزول آن از جانب کریم مطلق است. این دریای بی‌کران که در امواج کوتاه و بلند خود بزرگترین رازها و اسرار هدایت و شیواترین راه‌ای سعادت را داراست، کتابی که همیشه چراغ هدایت انسانها و جوامع بشری بوده و اکنون نیز هست و تا قیامت هر گمشده و گمراهی را رهنمون می‌باشد. کتابی که همیشه نور است و در همه مراحل امام است و در همه حالات ذکر است و در تمام ابعاد انسان و عالم بیان روشنی است. کتابی که حافظ همیشگی آن بر طبق وعده الهی، خداوند تبارک و تعالی است و وعده او تخلف‌ناپذیر است، انَّ وَعْدَه اللّه حقٌّ.

آنچه که در این مجموعه به عنوان نکات مهم عرضه می گردد مهم‌ترین نکته‌ها در بحث عدم تحریف قرآن است. این بحث از زمره بحث مهم و اساسی در علوم قرآن به شمار می‌رود. بر محقّقان، مفسّران و پویندگان این

دفاع از حریم قرآن، ص: ۸

کتاب شریف الهی است که این بحث را از هر جهت تنقیح و ابعاد مختلف آن را تشریح نمایند. به تحقیق می‌توان گفت در نسبت دادن نظریه تحریف به مذاهب و فرق اسلامی، تحریف‌های فاحش صورت گرفته است، به طوری که مذهبی را که اساس اعتقادات آن بر پایه عدم تحریف است معتقد به تحریف معرفی نموده‌اند. در ضمن این نکات، علاوه بر بررسی جوانب مختلف این بحث، اثبات خواهیم نمود که تشیع و مذاهب امامیه نه تنها معتقد به تحریف نیست بلکه اصولًا نمی‌تواند قول به تحریف را بپذیرد، چرا که پذیرفتن نظریه تحریف، اساس عقیده امامیه را از بین خواهد برد.

بیاید در این مجمع عظیم که متشکل از دانشمندان و شخصیتهای برجسته علمی و مذهبی است،[۱] اعلامیه جهانی صادر نماییم و به همه مذاهب و گروه‌ها و ملت‌ها و نحله‌ها و ادیان اعلام نماییم که قرآن از زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله تاکنون از تحریف

مصون و محفوظ مانده و تا قیامت هم احدی توان تحریف قرآن را ندارد.

این چنین نیست که مسئله را به صورت یک قضیه خارجیه مطرح کنیم و بگوییم تاکنون قرآن تحریف نشده است، بلکه ادعای ما به صورت یک قضیه حقیقیه به این نحو است که سنت قطعیه خداوند تبارک و تعالی در مورد این کتاب شریف بر آن است که امکان تحریف در این کتاب نیست و کسی یا گروهی توانایی تعرّض به این آیات الهی را ندارد و این کتاب مقدس معجزه خالده‌ای است که با ادعای «تحدّی» در هر زمان و مکان، دامن مقدس خویش را از توهّم تحریف مصون و محفوظ نگه داشته است.

دفاع از حریم قرآن، ص: ۹

ما در این نوشتار، در این مقام نیستیم که همه نکات مربوط به این بحث مهم را به صورت تفصیلی و گسترده بیان نماییم، چرا که چنین چیزی محتاج به چند جلد کتاب می‌باشد.

آنچه به دنبال آن هستیم بررسی برخی از نکات مهم به گونه فشرده است تا گوشه‌ای از ابعاد مهم این تنقیح و تبیین شود، ان شاء اللَّه.

دفاع از حریم قرآن، ص: ۱۰

نکته اوّل: بررسی لفظ تحریف

این کلمه مصدر باب تفعیل، و از «حرف» مشتق شده است و کلمه «حرف» در لغت به معنای کنار و جانب یک شیء است. بنابراین تحریف یعنی کنار زدن یک شیء و تغییر در اطراف و جوانب آن است.

خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: وَ مِنَ النّاسِ مَنْ یَعْبُدُ اللَّه عَلی حَرْفٍ[۲].

یعنی برخی از مردم خداوند را بر یک طرف و یک جانب عبادت می‌کنند و آنان کسانی هستند که در دین خود اضطراب دارند، مانند کسی که در هنگام جنگ، در جانبی ایستاده و نظاره‌گر است که اگر لشکریان پیروز شوند، بیاید و غنیمت بگیرد و الّا فرار کند.[۳]

این لفظ از نظر لغت دلالت بر مطلق جا به جایی و تغییر دارد، لذا می‌توانیم ادّعا کنیم که لفظ تحریف ظهور در تحریف لفظی دارد، لکن در قرآن کریم به سبب وجود قرینه‌ای ظهور ثانوی در تحریف معنوی پیدا نموده است، آنجا که در مذمّت علماء یهود می‌فرماید:

وَ یُحَرِّفُونَ الْکَلِمَ عَنْ مَواضِعِهِ[۴] یعنی کلام حق در تورات را از موضع و معانی و مقاصد الهی

دفاع از حریم قرآن، ص: ۱۱

تغییر می‌دهند و کلام حق را بر معانی ظاهرش حمل نمی‌نمایند. در این آیه شریفه وجود کلمه «عَنْ مَواضِعِهِ» قرینه روشنی است بر این که مراد تحریف معنوی است. از اینجا است که ملاحظه می‌نماییم راغب اصفهانی در توضیح واژه تحریف الکلام (و نه خصوص لفظ تحریف) فرموده است:

تحریف الکلام أنْ تَجْعَلَهُ عَلی حَرْفٍ مِنَ الأحتِمالِ یُمْکِنُ حَمْلُهُ عَلی الْوَجْهَیْنِ[۵]

یعنی تحریف کلام آن است که در کلام تغییر داده شود که سبب احتمالی شود که کلام قابلیت حمل بر دو وجه را داشته باشد.

روشن است که راغب در مقام تبیین معنای لغوی کلمه تحریف نیست، بلکه در مقام بین مراد از «تحریف الکلام»- یعنی تحریف معنوی- است که در آیه شریفه وارد شده است.

فخر رازی در بیان مراد از آیه شریفه احتمالاتی را بیان نموده که برخی از آنها با تحریف لفظی سازگاری دارد، لکن در نهایت قول

صحیح را تفسیر آیه به تحریف معنوی می‌داند. او چنین می گوید:

أَنَّ الْمرادَ بِالتَّحْريف الْقاءُ الشُّبَهِ الباطِلَهْ و ألّتا ويلاتِ الفاسِدَةِ وَ صَرْفُ اللَّفْظِ عَنْ مَعْناهذ الحَقِّ إلى مَعْنى باطِلٍ يُوجُوهِ الِحَيلِ اللَّفظيّةُ كَما يَفْعَلُهُ أَهْلُ الْبِدَعةِ[۶].

یعنی، مراد از تحریف القاء شبهات باطل و احتمالات فاسد و برگرداندن لفظ از معنای صحیح آن به معنای باطل به وسیله حیله‌های لفظی است که پیروان بدعت آن را انجام می‌دهند.

دفاع از حریم قرآن، ص: ۱۲

نکته دوّم: موارد کاربرد لفظ تحریف و انواع تحریف

در کلمات بزرگانی چون محقق خوئی ادّعا شده است که لفظ تحریف در شش معنی به نحو مشترک لفظی استعمال شده است که در میان این معانی برخی از آنها به اجماع مسلمین در قرآن واقع شده است و برخی به اجماع واقع نشده است و برخی محل خلاف است. ما در اینجا مطالب مرحوم خوئی در ذکر معانی اصطلاح تحریف را نقل و سپس نقد و بررسی می کنیم.

معنای اول: تحریف به معنای نقل و تغییر شیء از موضع و معنای خودش. آیه شریفه ذیل به این معنی اشاره دارد:

«وَ مِنَ الَّذينَ هادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَواضِعِهِ»[۷].

از این نوع تحریف به نام تفسیر به رأی یا تحریف معنایی نیز یاد می‌شود.

مسلمین بر وقوع چنین تحریفی در قرآن اجماع دارند، زیرا کسانی که قرآن را به غیر حقیقت آن تفسیر می کنند و بر غیر معنای واقعی آن حمل می کنند، آیات را بر طبق هوای نفسانی و آراء خود تحریف کرده‌اند. در

دفاع از حریم قرآن، ص: ۱۳

روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام از چنین تحریفی مذمّت شده است.

امام باقر علیه السلام در رساله‌ای به سَعْدُ الْخَیر فرمود:

وَ كانَ مِنْ نَبْذِهَمْ الكتاب انْ اقامُوا حُرُوَفهُ وَ حَرِّفُوا حُدُودَهُ، فَهُمْ يَرْوونَهُ وَ لا يَرْعُوْنُهْ[۸]

معنای دوم: تحیرف به این صورت است که حرفی یا حرکتی اجمالًا کم و یا زیاد شده باشد، لکن خود قرآن محفوظ و دست نخورده است. تحریف به این معنی نیز در قرآن ثابت است زیرا در محل خودش ثابت نموده‌ایم که قراءات موجوده[۹] هیچ کدام متواتر نیستند، بنابراین یکی از این قرائتها مطابق با قرآن واقعی است، اما بقیه آنها یا زیاده در قران است و یا نقیصه در آن.

معنای سوم: تحریف به این نحو که «یک کلمه» یا بیش از آن در کتاب شریف زیاد و یا کم شده است، اما خود قرآن شریف محفوظ است.

تحریف به این معنی در صدر اسلام و در زمان صحابه قطعاً واقع شده است ولی با آن مخالف و مبارزه شده است و دلیل آن اجماع مسلمین است، برای این که عثمان پاره‌ای از مصاحف را جمع آوری نمود و آتش زد و به مأمورین خویش امر نمود که هر چه غیر از قرآن او است آتش بزنند. بنابراین، مصاحف دیگر با مصحف عثمان مخالف بوده است (جماعتی از علما از جمله ابی داود سجستانی در کتاب المصاحف مواردی از موارد اختلاف را جمع نموده است) و اجمالًا در نسخه‌های آتش زده شده توسط عثمان تحریف محقق شده بوده است، اما قرآنی را که عثمان جمع آوری نمود و رواج داد همان قرآن معروف بین مسلمین بوده است که از پیامبر صلی الله علیه و آله دست به دست گرفته شده بود. لذا باید

دفاع از حریم قرآن، ص: ۱۴

بپذیریم که این نوع تحریف در مصاحفی که قبل از عهد عثمان رایج بوده‌اند محقق شده بوده است و قرآن موجود در زمان ما که بر مبنای نسخه عثمان است، هیچ زیادت و یا نقیصه‌ای ندارد.

معنای چهارم: تحریف به این صورت که یک آیه در قرآن کم یا زیاد شده است، اما قرآن منزل محفوظ است.

تحریف به این معنی نیز در قرآن به جز آیه شریفه «بسم اللَّه الرحمن الرحیم» که مسلمانان اجماع دارند پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از هر سوره‌ای آن را می‌خوانده است، در هیچ قسمت قرآن واقع نشده است. در این مورد نیز اهل سنّت اختلاف نظر دارند در این که آیا آن از قرآن است یا خیر؛ جمعی قائلند که از قرآن است و برخی معتقدند که از قرآن نیست.

اما شیعه امامیه قائل است که قطعاً از قرآن است و اجماع دارند که آن جزء هر سوره‌ای است غیر از سوره توبه.

معنای پنجم: تحریف به زیادت یعنی برخی از آیات مصحفی که امروز در اختیار ما قرار دارد، غیر از قرآن حقیقی است که بر پیامبر نازل شده است. در میان مسلمین دو گروه اعتقاد به وجود زیادت در قرآن دارند.

الف: عجارده اینان پیرون عبدالکریم بن عَجْرَدْ که از بزرگان خوارج است به شمار می‌روند. این گروه معتقدند که سوره مبارکه یوسف جزء قرآن نیست.

ب: به ابن مسعود نسبت داده شده است که معتقد است «معوذتین» از قرآن نیستند.

غیر از این دو گروه بقیه مسلمین اجماع بر بطلان این نوع از تحریف دارندو بطلان آن را امری ضروری می‌دانند.

دفاع از حریم قرآن، ص: ۱۵

معنای ششم: تحریف به نقصان یعنی برخی از آیاتی که بر پیامبر نازل شده است در قرآنی که امروز در دست ما است وجود ندارد. این نوع تحریف محل اختلاف شدید است.

نتیجه آن که از این شش معنی، تحریف به چهار معنای اول قطعاً واقع شده است و معنای پنجم به اجماع واقع نشده است و معنای ششم محل خلاف است.

ما بر کلام این محقق بزرگ (مرحوم آیة اللَّه خوئی) دو اشکال داریم:

اشکال اول: مقتضای تحقیق آن است معانی ذکر شده به عنوان معانی که لفظ تحریف در آن استعمال شود نیستند. بلکه تحریف یک معنی بیشتر ندارد و آن همان است که در معنای اول بیان شد یعنی «نَقْلُ الشّیء عَنْ مَوضَعِه»، اما بقیه عنوان مصداق برای آن معنی را دارند، به عبارت دیگر در تمامی این معانی، «نقل الشیء عن موضعه» وجود دارد لکن این نقل یادر معنی است که از آن به تحریف معنوی یاد می‌شود و یا در لفظ و قسم دوم یا به نحو تفصیلی است و یا به نحو اجمالی. به عبارت دیگر یا معیناً زیاده‌ای رخ می‌دهد و یا معیناً نقیصه‌ای وجود دارد و یا این که اجمالًا زیادت و نقصیه‌ای رخ داده است. بنابراین آنچه که در کلام این محقق بزرگوار ذکر شده است افراد و مصادیق تحریف اند، نه این که معانی مختلفه‌ای باشند که لفظ تحریف به نحو اشتراک لفظی در آنها استعمال شده است.

اشکال دوم: لازمه‌چنین تقسیمی آن است که جمیع اقسام تحریف عنوان باطل را نداشته باشند و الا چنانچه داخل در این عنوان قرار گیرند برخلاف اطلاق آیه شریفه: وَ لا یَأتیهِ الْباطِلِ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ است زیرا

دفاع از حریم قرآن، ص: ۱۶

که ظاهر آن دلالت دارد هیچ باطلی در این کتاب شریف راه‌ندارد. بنابراین باید صدق عنوان تحریف در مواردی را که فرموده‌اند به اجماع مسلمین واقع شده است، منع کنند، اگر چه این مطلب در تحریف معنوی مشکل به نظر می‌رسد.

بعد از بررسی معانی مختلف تحریف به انواع آن می‌پردازیم. از کلمات اهل فن استفاده می‌شود که تحریف دارای شش نوع است:

۱- تحریف لفظی: مراد آن است که نقصان یا زیادت یا تغییر و جابجایی در لفظ و کلمات به وجود آید.

۲- تحریف معنوی: یعنی تفسیر کلام به صور غیر صحیح و به نحوی که لفظ ظهور در آن ندارد. از این قسمت به نام «تفسیر به رأی» هم یاد می‌شود که در روایات شدیداً مورد مذمّت‌قرار گرفته‌است. قال‌رسول اللّه صلی الله علیه و آله: مَن فَسَّر القُرآنِ بَرأیِهِ فَلْیَتَّبوءَ مَقْعَدُهُ مِنَ النّارِ[۱۰]

۳- تحریف موضعی: یعنی آیه یا سوره‌ای را بر خلاف ترتیب نزول آن ثبت نمایند. این نوع از تحریف در آیات بسیار نادرست است. یعنی جمیع آیات بر حسب ترتیب نزول و مرتب و ثبت شده‌اند اما نسبت به خود سوره می‌توان ادعا نمود جمیع سور قرآن برخلاف ترتیب نزول به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله ثبت شده است.

۴- تحریف قرائی: منظور از آن خواندن و قرائت کلمه‌ای بر خلاف قرائت معهود در نزد جمهور مسلمین است. مانند اکثر اجتهادات قرّاء در قرائت‌هایشان.

۵- تحریف لهجه‌ای: اختلاف لهجه بین قبایل سبب می‌شود که آیات شریفه را به هنگام خواندن هر کدام بر طبق لهجه خود قرائت کنند.

دفاع از حریم قرآن، ص: ۱۷

۶- تحریف تبدیلی: کلمه‌ای را به غیر آن کلمه تبدیل نمودن اعم از آن که مرادف باشد یا نباشد. ابن مسعود، این نوع تحریف را در مترادفات تجویز کرده است و گفته است می‌توان به جای لفظ «علیم» کلمه «حکیم» را به کار برد.

دفاع از حریم قرآن، ص: ۱۸

نکته سوم: تحریف اجمالی و تفصیلی

قبلًا یادآور شدیم که تحریف یا اجمالی است و یا تفصیلی. آنچه که در محل نزاع و بحث ما داخل است عبارت است از تحریف تفصیلی‌به طوری که چنانچه زیاده‌ای یا نقصانی به صورت معین واقع شود داخل در تحریف محل نزاع و بحث است، اما تحریف اجمالی به این معنی که اجمالًا چیزی به قرآن افزوده گشته و یا چیزی از آن کم شده باشد از محل نزاع خارج است. مثلًا اختلافات در قراءات و یا اختلاف در این که آیا بسم اللّه الرحمن الرحیم از قرآن است یا خیر، که قبلًا از آن به نام تحریف اجمالی یاد نمودیم، خارج از محل نزاع است، زیرا ملاك در تحریف در محل نزاع آن است که چه به صورت زیادت باشد و چه به صورت نقصان، د رهر دو صورت آن بر خلاف واقع حقیقت کلام اللّه باشد، اما در اختلاف قراءات شکی نیست که یکی از این قرائتها مطابق با قرآن واقعی است و در مسئله بسم اللّه الرحمن الرحیم شکی نیست که پیامبر در ابتدا هر سوره‌ای آن را قرائت می‌فرموده است و اختلاف در جزئیت آن است. کسانی که

دفاع از حریم قرآن، ص: ۱۹

معتقد به جزئیت هستند می گویند واقع قرآن این است و کسانی که جزئیت را منکرند معتقدند که واقع قرآن بدون این آیه است و در نتیجه هیچکدام احتمال این که قول خودشان مخالف با واقع باشد را نمی‌دهند و هر دو اجماع مرکب دارند که غیر از کلام وحی، کلام بشر داخل در این کلام نشده است و همینطور است مسئله اختلاف قراء.

بنابراین در موارد تحریف اجمالی اگر چه واقع و کلام حقیقی و یا قرائت حقیقی شخص نیست لکن این نوع از تحریف از محل نزاع خارج است. محل نزاع در تحریفی است که یا چیزی از واقع قرآن را حذف کند و یا بر واقع آن از غیر قرآن بیفزاید.

دفاع از حریم قرآن، ص: ۲۰

نکته چهارم: عدم کفایت خبر واحد برای اثبات تحریف

همانطور که اثبات آیات قرآن، لازم است به دلیل قطعی و علمی باشد و به مجرد خبر واحد نمی‌توان اثبات نمود که آیه‌ای از قرآن شریف است، همچنین در مسئله تحریف باید قائلین به آن، دلیل قطعی و علمی اقامه نمایند. به عبارت دیگر وقتی خبر واحد و امثال آن از ادله ظنی را در اعتقادیات کافی نمی‌دانیم در مسئله قرآن که مهمترین مدرک و دلیل است به هیچ وجهی خبر واحد نمی‌تواند آیه‌ای را نفی یا اثبات کند. لذا مرحوم شیخ طوسی در مقدمه تبیان فرموده است روایاتی که دلالت بر تحریف دارند همه خبر واحد هستند و چون خبر واحد مفید علم نیست در مسئله تحریف مفید فائده نخواهد بود، و مراد ایشان آن است که این مسئله از مسائلی است که در آن علم معتبر است.

دفاع از حریم قرآن، ص: ۲۱

نکته پنجم: نظریه بزرگان امامیه در عدم تحریف قرآن

اعاظم از محققین و بزرگان امامیه معتقد به عدم تحریف کتاب شریف اند به طوری که معتقدند قرآن امروز، همان قرآنی است که بر قلب مبارك پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است، بدون این که هیچ نقصانی در آن به وجود آمده باشد، همانطور که زیاده‌ای در آن رخ نداده است. در این بحث برآنیم که اقوال برخی از آنان که از اسطوانه‌های امامیه‌اند و کتب آنها مدار آراء علمی و اعتقای این مذهب به شمار می‌رود را به طور اختصار بیان نماییم. لکن قبل از دو مطلب را باید مورد توجه قرار دهیم.

الف: برخی از کتب علوم قرآنی، قول به تحریف را به گروهی از اخباریون امامیه نسبت داده‌اند، همانطوری که در میان اهل سنت، حشویه قائل به آن شده‌اند. مطلب قابل توجه آن است که در میان اخباریّون، برخی‌از بزرگان آنان مانند شیخ حرّ عاملی صاحب کتاب وسائل الشیعهٔ معتقد به عدم تحریف کتاب است و در این زمینه رساله مستقلی نیز به رشته نگارش درآورده است. بنابراین اخباری بودن، ملازم با قول به

دفاع از حریم قرآن، ص: ۲۲

تحریف نیست.

ب: شکی نیست که مسئله عدم تحریف به زیادت، مورد اجماع علماء امامیه قرار گرفته است، لکن در مورد عدم تحریف به نقصان هم برخی از بزرگان مانند مقدس بغدادی در شرح وافیه[۱۱] و مرجع بزرگ شیعه نسخ جعفر کاشف الغطاء در کتاب کشف الغطاء ادّعای اجماع نموده‌اند.

بنابراین می‌توان ادعا نمود که بر عدم تحریف کتاب اعمّ از تحریف به نحو زیادت و یا تحریف به نحو نقصان، در کلمات علماء امامیه ادعای اجماع شده است.

و اینك نظریات اعاظم علماء امامیه در این باره:

۱- فضل بن شاذان که یکی از مصنفین شیعه در قرن سوم هجری است بعد از انکار تحریف به نقیصه در مورد آن، در کتاب «ایضاح»، نقل روایت تحریف را به فِرَقْ دیگر نسبت می‌دهد.

۲- ابن جعفر محمد بن علی بن بابویه قمی معروف به «شیخ صدوق» که از بزرگترین چهره‌های علمی جهان تشیع در قرن چهارم هجری است در رساله اعتقادات چنین می گوید:

عقیـده مـا درباره قرآن چنین است: قرآنی که پیامبر نازل شـده است همین قرآن موجود است و چیزی بر آن اضافه نشـده است و نیز هر کس ما را متهم به نقصان قرآن موجود کند دروغگو خواهد بود.

بنابراین صدوق که از بزرگترین علمای امامیه است و در حدیث و تاریخ تبحّر فراوان دارد نسبت تحریف به امامیه را انکار می‌کند.

۳- علی بن حسـین موسوی معروف به سـید مرتضی علم الهدی که از اکابر فقهاء و اصولیین امامیه است در جواب مسائل طرابلسیّات می‌گوید:

دفاع از حریم قرآن، ص: ۲۳

علم به صحّت نقل قرآن مانند علم به شهرها و حوادث بزرگ و وقایع عظیم است. همانطوری که نسبت به اینها علم و شناخت قطعی داریم دربـاره قرآن هم قطع و یقین داریم، چرا که عنـایت و اهتمـام مسـلمانان و انگیزه‌هـای مختلف ایشـان بر حفظ و حراست قرآن فراوان بوده است.

قرآن کریم در عهـد رسول خـدا صـلی الله علیه و آله یک مجموعه مدوّن و منظمی بوده است به طوری که آن حضـرت جماعتی را برای حفظ قرآن معین فرمودند و جماعتی مانند عبداللّه بن مسـعود و ابیّ بن کعب و غیر این دو، قرآن را در حضور ایشان چند مرتبه کاملًا قرائت نمودنـد. سـید مرتضـی در دنبـاله کلامش فرموده است: کسانی که از امامیه و حشویّه از عامه (اهل سـنت) با این نظریه مخـالفت نموده‌انـد قابـل اعتنـا نیسـتند، زیرا که مخـالفت آنـان به جهت وجـود روایت ضـعیفه‌ای است که گمـان نموده‌انـد صـحیح است[۱۲]

۴- شیخ الطّائفهٔ ابوجعفر محمد بن حسن طوسی در این رابطه چنین فرموده است:

صحبت از زیـاد شـدن و کم شـدن قرآن سـزاوار این کتاب شـریف نیست، زیرا اجماع قائم است بر بطلان زیادت و ظاهر از مـذاهب مسـلمین آن است که تحریف به نقیصه باطل است و همین مطلب نظریه صـحیح علمای امامیه است و مطابق با روایات صحیحه است و روایـاتی که از طریق عامّه و خاصّه دلالت بر نقصان برخی از آیات قرآن دارد چون به نحو خبر واحـد است و علم آور نیست باید از آنها صرف نظر نمود.[۱۳]

۵- ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، مفسر کبیر و صاحب کتاب مجمع البیان در مقدمه تفسیر خود چنین می‌نویسد:

قول به اضـافه شـدن آیه‌ای بر آیـات قرآن به اجماع امامیه باطل است و قول به نقصان را جماعتی از اصـحاب امیه و قومی از حشویّه عامّه روایت نموده‌اند، ولی صحیح از

دفاع از حریم قرآن، ص: ۲۴

مذاهب اصحاب امامیه خلاف آن است.[۱۴]

۶- سید بن طاووس چنین گفته است:

رأی امامیه عدم تحریف قرآن است.[۱۵]

و در جای دیگر فرموده است:

تعجب می‌کنم از کسانی که معتقدنـد قرآن فعلی همان قرآنی است که بر رسول اللّه نازل شده و آن حضـرت جمع‌کننده قرآن بوده است و در عین حـال اختلـاف اهـل مـدینه و مکه و اهـل کوفه و بصره را نقـل می‌نماینـد و در نهـایت معتقـد می‌شونـد که بسم اللّه الرحمن الرحیم از قرآن و جزء سوره نیست. عجب آن است که اگر قرآن از زیـاده و نقصان مصون باشـد که عقل و شـرع همین نظر را دارند، چگونه چنین رأیی را اختیار می‌کنند.[۱۶]

۷- ملاح محسن فیض کاشانی چنین فرموده است:

روایاتی که دلالت بر تحریف دارند مخالف با کتاب اللّه است و لازم است یا آنها را رد نماییم و یا توجیه و تأویل نماییم.[۱۷]

۸- محمد بهاء الدین العاملی معروف به «شیخ بهایی» در مورد قرآن شریف این چنین می گوید:
قول صحیح آن است که قرآن عظیم محفوظ از تحریف اعمّ از زیادت و نقصان است و آنچه مشهور بین مردم است که اسم مبارک امیرالمؤمنین علیه السلام در برخی از آیات مانند آیه شریفه: یا أَیُّها الرَّسولِ بَلِّغ ماانْزِلَ الَیکَ اسقاط شده است و در واقع این بوده: ماانْزِلَ الَیْکَ فی عَلّیٍ، در نزد علماء امامیه معتبر نیست.[۱۸]
۹- شیخ محمد بن حسن حرّ عاملی صاحب کتاب مهم روایی وسائل الشیعهٔ در رساله‌ای در اثبات عدم تحریف قرآن فرموده است:
کسانی که در تاریخ و روایات مأثوره از ائمه معصومین علیهم السلام

دفاع از حریم قرآن، ص: ۲۵

تتبع کنند، علم جزمی پیدا می کنند که قرآن به تواتر در حد بالا و به نقل هزاران نفر از صحابه ثابت شده است و می‌یابند که قرآن، مجموعه مدوّنی در عهد رسول اللَّه صلی الله علیه و آله بوده است.[۱۹]
۱۰- شیخ جعفر کاشف الغطاء که از فقهای کم‌نظیر شیعه است در کتاب گرانسنگ کشف الغطاء می‌فرماید:
به اتفاق مسلمانان و به ضرورت دین و مذهب چیزی بر قرآن اضافه نشده است و به صراحت خود قرآن و اجماع علما در تمام زمانها چیزی از آن کم نشده است و اعتباری بر قول عده نادری که با این نظریه مخالفت نموده‌اند نیست.[۲۰]
اینها نمونه‌ای از آراء و نظریات بزرگان امامیه، اعم از اصولی و اخباری است، و از مجموعه این کلمات استفاده می‌شود که قول به تحریف قرآن از اباطیلی است که بطلان آنها در حد ضرورت و بداهت است و چنانچه عده قلیلی برخی از روایات ضعیف را در کتاب خود آورده‌اند یا تمایلی بر طبق آن نشان داده‌اند، هیچ قابل اعتناء در نزد امامیه نیست. لذا چگونه می‌توان قول به تحریف را به علماء امامیه نسبت داد؟ آیا این نسبت از افتراءات واضح که حرمت آن مسلم است، نیست؟ چگونه می‌توان بر گروهی که قوام اعتقادی و بقاء افکار خویش را مبتنی بر قرآن عزیز می‌دانند، اسناد تحریف داد؟

دفاع از حریم قرآن، ص: ۲۶

نکته ششم: فرق میان قرآن و سایر کتب آسمانی

یکی از سؤالات مهم و اساسی، فرق میان قرآن و سایر کتب آسمانی است. چرا در مورد قرآن ادّعای عدم تحریف می‌شود در حالی که مسئله تحریف در مورد سایر کتب امری مسلم و روشن است، تا حدی که برخی برای اثبات تحریف قران از این طریق استدلال می کنند که از طرفی مسلم است در کتب سابقه تحریف واقع شده است و از طرف دیگر در روایات متواتره بین شیعه و سنی آمده است که هر چیزی که در امم سابقه واقع شده است باید مثل آن در این امت واقع شود، نظیر این روایت:
قال رسول اللَّه صلی الله علیه و آله: کُلّ ما کانَ فی الْاَمَمِ السّالِفَةِ فَاِنَّهُ یَکُونُ فی هذِهِ الْاُمّةِ مِثْلُهُ حَذْو النَّعْلَ بِالنَّعِلَ وَ القَذّةِ بِالْقَذّةِ.[۲۱]
بنابراین لازم است در قرآن هم تحریف واقع شده باشد.
تحقیق در این گونه روایات و جواب از آنها در بحث شبهات قائلین به تحریف باید بیان نمود.[۲۲]
آنچه در این نکته به دنبال آن هستیم فرق

دفاع از حریم قرآن، ص: ۲۷

اساسی میان قرآن و سایر کتب آسمانی است. برخی این چنین گفته‌اند:
تحریفی که در کتب سابقه واقع شده است همان تحریف معنوی و تفسیر به رأی بوده است و قرآن دلالت بر وقوع چنین تحریفی در کتب امم سالفه دارد و دلالتی بر تحریف به زیادت و یا نقیصه ندارد.[۲۳]

به علاوه، در روایات و کلمات علماء دلیل و شاهـدی که دلالت بر وقوع تحریف به زیاده یا نقیصه کنـد، نـداریم، قرآن به صـراحت بیان می‌کند که تورات و انجیل و سایر کتب نازله در نزد علماء آنان محفوظ بوده است، آنجا که می‌فرماید:

وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَاةَ وَالْإِنجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْوَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ.

نکته اساسـی آن است که این کتـاب شـریف به عنـوان معجزه جـاودان و ابـدی مطرح است، و به ناچـار بایـد برای همیشه مصـون از تحریف و تغییر باشد، به خلاف سایر کتب آسمانی که به عنوان معجزه خالده مطرح نبوده‌اند.

دفاع از حریم قرآن، ص: ۲۸

نکته هفتم: مراحل و مواطن قرآن

از نکـات حـائز اهمیت آن است که محـل نزاع در کـدام قرآن و به تعبیر دیگر در کـدام مرحله از مراحل موجوده قرآن کریم است. همانطوری که روشن است و از قرآن مجید هم استفاده می‌شود برای این کتاب مقدس مراحل و مواطنی است.

موطن اوّل: لوح محفوظ: روشن است که این موطن قابل تحریف، نیست زیرا از دست افراد بشـر خارج است و در این موطن در نزد خداوند موجود و از هر گونه آسیبی محفوظ است.

موطن دوّم: مرحله نزول قرآن توسط جبرئیل بر پیامبر صـلی الله علیه و آله است، این موطن هم قابل تحریف نیست. به دلیل عصـمتی که جبرئیل به عنوان یکی از ملائکه دارا است.

موطن سوّم: مرحله عرضه شـدن قرآن توسط پیامبر صـلی الله علیه و آله بر مردم است. یعنی آنچه را که جبرئیل بر قلب مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله نازل فرموده همان را آن حضرت بدون هیچ کم و زیادی برای مردم بیان فرموده است.

دفاع از حریم قرآن، ص: ۲۹

روشن است که در این موطن هم قرآن دسـتخوش تحریف قرار نگرفته است و در زمـان پیـامبر تماماً و به صورت یک کتاب مـدوّن تنظیم و جمع آوری گردیـد و بسـیاری از افراد آن را در اذهان خویش سپردنـد و در زمانهای آینده نیز آن قرآن به صورت متواتر به نسلهای آینده منتقل شده است.

موطن چهـارم: عبـارت است از قرآنهایی که حکایت از آن قرآن متواتر می‌کننـد. به عبارت دیگر قرآنهای مکتوبی که اکنون وجود دارنـد و وجودشان یا چاپی است و یا خطی و از آن حقیقت نازل شده از جانب خداوند به نام قرآن حکایت دارند. بدیهی است که تحریف به معنـای اختلاـف در قرائت و نظیر آن در این قسم چهـارم متحمل است، و همینطور امکان تحریف به زیاده و یا نقیصه در این موطن چهـارم راه دارد. آنچه که داخـل در محل نزاع است آن قرآن منقول متواتری است که در هر زمان به عنوان یک حقیقت و یک شیء واحد و به عنوان کلام منزل حق وجود داشته و دارد، و آیه شریفه «حِفْظ» هم که می‌فرماید: إِنّا لَهُ لَحافِظُونَ کلمه «لَهُ» به قرآن منزل بر می‌گردد و آن یـک قرآن و یک حقیقت بیشتر نیست و بقیه قرآنهای متصور حاکی از آن است و شـکی نیست که در آنها تحریف راه ندارد.

بنـابراین بیان، روشن می‌شود آن‌چه را که برخی از محـدّثین[۲۴] گفته‌انـد که مراد از آن «حفـظ» آن است که خداونـد متعال کتاب خود را در موضـعی که نازل فرموده حفظ می‌فرمایـد، همانطوری که در محل اعلی قبل از نزول محفوظ است، و مراد از آن حفظ و صحف و دفاتر نیست، حرف باطلی است که دلیل و شاهدی بر آن وجود ندارد، بلکه مسئله اعجاز

دفاع از حریم قرآن، ص: ۳۰

قرآن آن را نفی می‌کند، چرا که بقاء قرآن در چین موطن متصوری که امکان و قابلیت تحریف در آن نیست، جنبه اعجازی ندارد.

دفاع از حریم قرآن، ص: ۳۱

نکته هشتم: امکان تحریف قرآن از نظر عقل و عدم وقوع آن در عمل

از آیـه شـریفه «حفـظ» اسـتفاده می‌شـود که قرآن عقلًا قابـل تحریـف است، لکن خداونـد تبـارک و تعـالی آن را از این خطر حفظ می‌فرمایـد و چنـانچه عقلًا تحریف در آن راه نمی‌داشت، نیازی به حفظ الهی نمی‌بود. ولیکن خداونـد متعال این امکان عقلی محض را با وعده قطعی خود که از آن نگهبانی خواهد فرمود، امکان وقوعی و عملی آن را مردود ساخته است.

دفاع از حریم قرآن، ص: ۳۲

نکته نهم: آیا استدلال به قرآن بر عدم تحریف مستلزم دور است؟

بسیاری از بزرگان برای اثبات عدم تحریف قرآن به آیاتی از کتاب شـریف اسـتدلال نموده‌اند. آنچه را در ضـمن این نکته بررسـی می‌نماییم آن است که آیا استدلال به آیات شریفه برای بطلان نظریه تحریف، مستلزم دور محال است یا خیر؟

برخی معتقدند که استدلال به آیات شریفه مستلزم دور است و برای آن، دو نوع استدلال و تقریر ذکر نموده‌اند:

تقریر اوّل: از طرفی نفی تحریـف کتـاب متوقف بر حجیّت این آیـات است، در حـالی که حجیّت این آیـات متوقف بر نفی تحریف است، بنابراین، نفی تحریف متوقف بر نفی تحریف می‌شود.

تقریر دوّم: حجیّت آیـات مـورد اسـتدلال متوقـف بر نفی تحریـف است، در حـالی که نفی تحریف هم متوقف بر حجیّت این آیـات است و در نتیجه حجیّت آیات شریفه متوقف بر حجیّت خود این آیات است و این همان دور محال در علیت است.

دفاع از حریم قرآن، ص: ۳۳

از این شبهه جوابهای مختلفی داده شده است که اینک به بررسی آنها می‌پردازیم:

جواب اول: مرحوم محقق خوئی در کتاب ارزشمند البیان چنین جواب داده‌اند:

کسانی که قائل به خلافت ائمه معصومین علیهم السـلام نباشـند در حلّ این شـبهه عاجزنـد، اما کسانی که معتقد به ولایت و خلافت این بزرگواران هسـتند و آنـان را به عنوان قُرَناءِ کتاب پذیرفته‌انـد در حلّ این شـبهه عاجز نیسـتند، چرا که خود آنان به قرآن موجود استدلال می‌فرمودند و استدلال اصحاب به قرآن را تأیید و امضا می‌نمودند.

بنابراین قرآن موجود ولو این که تحریف شده باشد، چون مورد استدلال ائمه علیهم السلام بوده است برای تمسّک حجیّت دارد.

این جواب خالی از اشکال نیست، زیرا:

اولًا: این جواب نسبت به معتقـدان ولایت ائمه معصومین علیهم السـلام مفیـد فائـده‌است، در حالی که در مقابل چنین شـبهه‌ای باید جواب وافی و کافی داد، به طوری که هر فرقه‌ای بتوند آن جواب را بپذیرد.

ثانیـاً: این جواب در حقیقت پـذیرفتن اصل شـبهه است چرا که طبق آن دیگر اسـتدلال بر عـدم تحریف به خود آیات شـریفه نیست، بلکه اسـتدلال به آیات به ضـمیمه امضاء و تقریر معصوم است و این مطلب گذشـته از آن که بر خلاف مدّعی است، برخلاف ظاهر حـدیث شـریف ثقلین نیز هست که از آن به خـوبی اسـتفاده می‌شـود که قرآن به عنـوان «ثقـل اکـبر» و به عنون یـک حجّت و دلیل مستقل مطرح است.

دفاع از حریم قرآن، ص: ۳۴

جواب دوم: کسانی که ادّعای تحریف قرآن را دارند، دائره آن را محدود به آیات خاصی که در برخی از روایات به آنها اشاره شده است می‌دانند و آیاتی که برای عدم تحریف به آنها استدلال شده است، جزء آن آیات محرّفه نیست. به عبارت دیگر، قائلین به تحریف خود نسبت به عدم تحریف این آیات اعتقاد دارند.

این جواب هم خالی از ایراد نیست، زیرا در رابطه با تحریف دو نظریه وجود دارد.

نظریه اول: این که، برخی معتقدند که بر طبق برخی از روایات، در موارد معیّنی در آیات شریفه قرآن تحریف رخ داده است. بر طبق این نظریه جواب صحیح است. اما نظریه دوّم: آن است که با قطع نظر از روایات، علم اجمالی به تحریف کتاب وجود دارد و دائره علم اجمالی شامل چنین آیاتی بر عدم تحریف به آن استدلال شده، می‌شود. بنابراین نظریه این جواب دوّم صحیح نیست.

جواب سوم: برخی در مقام جواب از این اشکال گفته‌اند اجماع قائم است بر این که این آیات مورد تحریف واقع نشده است.[۲۵]

این جواب هم قابل مناقشه است، زیرا قائلین به تحریف چنانچه ادّعای علم اجمالی به تحریف کتاب را داشته باشند نمی‌توانند این آیات را از دائره علم اجمالی خارج کنند و به تعبیردیگر نمی‌توانندداخل درمجمعین باشند و الّا از وجود نظریه آنان عدم لازم می‌آید.

جواب چهارم: والد محقّق فقیه معظم [آیهٔ اللّه العظمی فاضل لنکرانی] در مقام حل این مشکل چنین فرموده‌اند.[۲۶]

باید دید استدلال به آیات شریفه بر عدم تحریف کتاب در مقابل چه

دفاع از حریم قرآن، ص: ۳۵

گروهی است.

اگر استدلال در مقابل گروهی باشد که ادّعای تحریف درموارد خاصی که روایات دال بر آن است را دارند، مجالی برای «مناقشه دور» نیست، زیرا این آیات از آن موارد نیستند.

و اگر استدلال در مقابل کسانی است که ادّعای علم اجمالی به تحریف کتاب را دارند در این صورت دو فرض است:

فرض اوّل: آن است که قائل به تحریف، معتقد به حجیّت ظواهر کتاب ولو کتاب تحریف شده، می‌باشد؛ در این فرض مجالی برای «مناقشه دور» نیست، زیرا ظاهر آیات بر حجیّت خود باقی است و وقوع تحریف مانعی از حجیّت ظواهر بر طبق فرض نیست و در نتیجه استدلال به آیات خالی از مناقشه است.

فرض دوم: آن است که قائل به تحریف، این امر را مانع از حجیّت ظواهر کتاب بداند، در این فرض یا قائل به تحریف ادعای علم اجمالی به وقوع تحریف کتاب را دارد و یا این که مسئله علم در کار نیست، بلکه مجرّد احتمال تحریف را می‌دهد. در صورت اول آیات قابل استدلال نیستد ولو این که در فرض تحریف بر حجیّت باقی باشند، زیرا در علم اصول ثابت است که ظواهر که از امارات شرعی ظنّی هستند در صورتی معتبرند که علم به خلاف آنها نباشد؛ بنابراین در چنین فرضی آیات شریفه قابل استدلال نیست. در صورت دوم مجرد احتمال تحریف بدون علم، مانع از حجیّت آیات نمی‌شود و استدلال بر طبق آیات خالی از مناقشه است.

در این جواب هم در صورت علم اجمالی به تحریف، استدلال به

آیات مخدوش است.

دفاع از حریم قرآن، ص: ۳۶

جواب پنجم: آنچه به نظر می‌رسد آن است که تحریف مانند سایر امور دیگر نیاز به داعی و انگیزه دارد و چون داعی و انگیزه بر تحریف قرآن بسیار زیاد بوده است به ناچار باید این آیات شریفه را چنانچه دستخوش تحریف واقع شده باشند، طوری تحریف نمایند که در آنها نقصانی به وجود آید به نحوی که دیگر از دلالت بر عدم تحریف کتاب، ساقط شود.

مثلًا در آیه شریفه حفظ، جمله وَ إِنّا لَهُ لَحافِظُونَ را برمی‌داشتند و حذف می‌نمودند و یا لااقل کلمه «له» که در استفاده عدم تحریف

بسیار مؤثر است را حذف می‌نمودند. بنابراین نفس وجود و بقاء این کلمات در قرآن قرینه روشنی است بر عدم تحریف و برای انسان افاده علم و اطمینان به عدم تحریف این آیات می کند و در موردی که علم اجمالی به تحریف وجود داشته باشد چون در این آیات علم عادی برخلاف آن را داریم، در نتیجه این موارد از دایره علم اجمالی خارج می‌شوند.

دفاع از حریم قرآن، ص: ۳۷

نکته دهم: دو نوع ادّعا در تحریف

از نکته قبل روشن شد که در ربطه با تحریف دو نوع ادّعا وجود دارد:

ادّعای اوّل: برخی توهّم کرده‌اند که دایره تحریف به برخی آیات معیّنی که روایات وارده محدوده آن را معیّن نموده است، اختصاص دارد.

بنابراین، سایر آیات شریفه قرآن از دایره تحریف و تغییر مصون و محفوظ مانده است و برای استدلال و استفاده از ظواهر آن قابل استفاده‌اند.

این نوع ادّعا را معمولًا کسانی که مستند و مدرک آنان در تحریف روایات موجود در برخی از کتب روائی است، دارند.

ادّعای دوّم: برخی عقیده دارند که اجمالًا قرآن کریم مورد تحریف قرار گرفته است. به تعبیر دیگر ادّعای علم اجمالی نسبت به تحریف کتاب شریف دارند. گروهی که این ادّعا را پذیرفته‌اند دلیل و مستند خود را در باب تحریف، دلیل اعتبار و نظایر آن قرار داده‌اند.[۲۷]

دفاع از حریم قرآن، ص: ۳۸

نکته یازدهم: بررسی دلیل عقلی و عُقَلائی در عدم تحریف

از برخی کلمات اهل نظر استفاده می‌شود که برای بطلان تحریف به دلیل عقلی و همین طور به بنای عقلا تمسّک نموده‌اند. سید بن طاووس در «سَعْدُ السُّعُود» تصریح نموده است که بطلان تحریف مقتضای عقل است و برخی به بناء عقلا[۲۸] استدلال نموده‌اند. اما دلیل عقلی:

برای بیان این دلیل دو راه وجود دارد:

راه اوّل: در کلمات محقّق خوئی[۲۹] به صورت دلیل عقلی غیرمستقل ذکر شده است، و ما در اینجا آن را به طور خلاصه نقل می‌نماییم:

احتمال تحریف از سه صورت خارج نیست و صورت چهارمی برای آن عقلًا تصوّر نمی‌شود.

صورت اول: وقوع تحریف قبل از خلافت عثمان به وسیله ابوبکر و عمر. این صورت قطعاً باطل است، زیرا از یکی از این سه احتمال خارج نیست:

احتمال اوّل: آن است که تحریف ناخودآگاه باشد یعنی بعد از رحلت رسول اللَّه صلی الله علیه و آله این دو نفر متصدّی جمع قرآن شده‌اند و در اثر کمی

دفاع از حریم قرآن، ص: ۳۹

اطلاع و نرسیدن تمامی قرآن به آن دو و عدم دقّت و احاطه، به برخی از آیات دست نیافته‌اند و در نتیجه قرآن تحریف شده است.

احتمال دوم: آن است که تحریف توسط آنان عمداً صورت گرفته باشد، آن هم در خصوص آیاتی که هیچگونه ضرری به خلافت و زعامت آنها نداشته است.

احتمال سوم: این که تحریف عمدی باشد، لکن در خصوص آیاتی که برای زعامت آنها مضرّ بوده است، چنانکه قائلین به تحریف روی این احتمال تکیه نموده‌اند.

لکن هر سه احتمال منتفی و مردود است. امّا احتمال اول از دو جهت باطل است:

الف: شکی نیست در این که پیامبر صلی الله علیه و آله امر به حفظ، قرائت و ترتیل قرآن می‌فرموده و صحابه هم اهتمم فراوانی در این امور داشتند، لذا قطع داریم به این که قرآن تماماً در زمان این دو نفر به صورت کامل موجود بوده است، یا به صورت جمع و یا متفرّق و یا در سینه‌ها و یا در کاغذها.

در آن زمان عربها اهتمام عجیبی به حفظ اشعار جاهلیت داشتند، پس چطور می‌شودنسبت به قرآن چنین اهتمامی را نورزیده باشند.

ب: از روایت ثقلین بطلان این احتمال روشن می‌شود. زیرا این روایت دلالت دارد بر اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله مردم را مأمور به تمسّک به کتاب در زمان خویش فرموده و روشن است درصورتی که برخی از آیات مورد تضییع قرار گرفته باشد تمسّک به کتاب به عنوان یک مجموعه مدوّن امکان‌پذیر نیست.

اما بطلان احتمال دوّم: روشن است که تحریف عمدی نیاز به انگیزه

دفاع از حریم قرآن، ص: ۴۰

دارد و در رابطه با آیاتی که برای زعامت ابوبر و عمر مضرنبوده است، چنین انگیزه‌ای وجود ندارد، بنابراین منتفی است.

اما بطلان احتمال دوّم: اگر چنین مطلبی اتفاق افتاده باشد باید مخالفین خلافت ابوبکر و عمر که در رأس آنها امیرالمؤمنین علیه السلام و صدیقه طاهره علیها السلام و دوازده تن از سران مهاجر و انصار بودند، این امر را جزء معایب و اشکالات آنان ذکر می‌کردند و در احتجاجات آنان می‌آمد، در حالی که چنین چیزی در کلمات و استدلالات آنان وجود ندارد.

صورت دوّم: وقوع تحریف در زمان خلافت عثمان است، این صورت ضعیف‌تر از صورت قبلی است، زیرا:

اوّلًا: اسلام در زمان عثمان به طوری منتشر شده بود که او قدرت و توان این که از قرآن چیزی را کم کند، نداشت.

ثانیاً: اگر تحریف در زمان عثمان در آیاتی بوده که مربوط به ولایت و زعامت اهل بیت علیهم السلام نبوده در این صورت سببی برای تحریف نبوده است و در آیات مربوط به ولایت نیز قطع به عدم آن داریم، زیرا اگر قرآن مشتمل به آیاتی می‌بود که دلالت صریح بر خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌داشت، در بین مردم منتشر می‌شد و خلافت به عثمان نمی‌رسید.

ثالثاً: اگر عثمان قرآن را تحریف می‌کرد، این بهترین بهانه و عذر برای مخالفین او بود که مخالفت و قیام خودشان بر ضد وی را توجیه نمایند، در حالی که آنان دراستدلال در این باره چیزی نگفتند.

رابعاً: چنانچه تحریف به دست عثمان واقع شده باشد لازم بود که

دفاع از حریم قرآن، ص: ۴۱

امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از تصدّی زعامت مسلمین، قرآن را به اصل خودش آن طور که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است، برگرداند، در حالی که چنین جریانی واقع نشد. بنابراین بیان صورت دوّم هم مردود و باطل است.

صورت سوّم: وقوع تحریف بعد از خلافت عثمان به وسیله خلفای بنی‌امیه و عمّال آنا. این وجه نیز مسأله‌ای است که احدی از علما و مورّخین آن را ادّعا ننموده‌اند.

چون عقلًا صورت چهارمی وجود ندارد، نتیجه می‌گیریم که از نظر عقلی و تاریخی وقوع تحریف امری است گزاف و مردود. باید توجه شود که این دلیل به صورت یک حکم عقلی مستقل نیست، بلکه به ضمیمه تحلیل تاریخی است.

راه دوّم: در این طریق دو مقدمه لازم است:

مقدمه اوّل: آیین مقدس اسلام به عنوان آخرین دین در میان ادیان آسمانی و کاملترین آیین برای جمیع مردم تا روز قیامت است.

مقدمه دوّم: چنین دینی لازم است دارای سند جاودان و همیشگی که مبنای به هم پیوستن قوانین و دستورات آن است، باشد. از به هم پیوستن این دو مقدمه استفاده می‌کنیم که شارع مقدس قطعاً باید این کتاب را از آلوده شده به تحریف مصون نگه دارد. لذا از نظر عقل، بر شارع مقدس لازم است این کتاب را از ظلمت تحریف مصون نگه دارد.

این دلیل عقلی از این جهت قابل خدشه است که عقل به عنوان یک قضیه تعلیقی حکم می‌کند که اگر قرآن بخواهد جمیع مردم را در تمام شؤون زندگی تا قیامت هدایت کند، باید مصون از تحریف باشد، لکن این مقدار فایده‌ای در محل نزاع ندارد، زیرا آنچه را که داخل نزاع است وقوع

دفاع از حریم قرآن، ص: ۴۲

و عدم تحریف است و عقل به صورت مستقل نمی‌تواند در این زمینه دخالتی داشته باشد.

اما بناء و سیره عقلائیه، برخی از دانشمندان جهت اثبات عدم تحریف قرآن چنین نگاشته‌اند:

تحریف کلام هر نویسنده و تغییر مطالب هر کتاب جریانی غیرطبیعی و پدیده‌ای است تحمیلی و غیرعادی، لذا سیره عقلاء بر بی‌اعتنایی به تحریف است. بنابراین صیانت قرآن از تحریف امری طبیعی و مقتضای اصل و قاعده اوّلیه است.[۳۰]

لکن این دلیل در مورد کتابی است که اغراض و انگیزه‌های مختلف بر تحریف آن وجود نداشته باشد، اما کتابی مانند قرآن که دواعی کفّار و ملاحده بر تحریف آن بسیار بوده است مشمول این دلیل نیست.

دفاع از حریم قرآن، ص: ۴۳

نکته دوازدهم: صریح‌ترین آیه در عدم تحریف

جمعی از محقّقین ادّعا نموده‌اند که در میان آیات شریفه صریح‌ترین آیه در اثبات عدم تحریف کتاب، این آیه کریمه است: وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ. لَايَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ[۳۱] حتی برخی ادّعا نموده‌اند که مفسّرین اجماع دارند بر این که این آیه صریح‌ترین آیات در عدم تحریف قرآن است.[۳۲]

به این آیه شریفه از چند طریق می‌توان بر عدم تحریف استدلال نمود:

طریق اوّل: این که خداوند کتاب شریف را متّصف به «عزّت» نموده است روشن است که عزّت از نظر لغوی در صورتی است که محفوظ از تغییر و تنقیص باشد.[۳۳]

طریق دوّم: در این آیه شریفه بر طبیعت و جنس باطل نفی واردشده است و بر طبق قاعده در چنین مواردی افاده عموم می‌کند و به عبارت دیگر آیه شریفه جمیع انواع و اصناف و اقسام را از این کتاب شریف نفی می‌کند و در لغت باطل به معنای شیء فاسد و ضایع است و بدیهی

دفاع از حریم قرآن، ص: ۴۴

است که تحریف از مصادیق بارز و روشن باطل است.

طریق سوّم: در این آیه خداوند حکم را معلّل می‌فرماید به این که چون این کتاب از طرف موجود حکیم و حمید نازل شده است، لذا در آن باطلی راه پیدا نمی‌کند. این تعلیل خود دلالت روشنی دارد که تحریف و تغییر با چنین کتابی که از ناحیه حکیم نازل شده است مناسبت ندارد.

مرحوم حاجی نوری[۳۴] فرموده است:

گرچه مطلب تغییر در قرآن از مصادیق باطل است، اما مقصود در این آیه شریفه یک معنای خاصی است و آن باطلی است که از تناقض احکام و تکاذب اخبار حاصل می‌شود.

در جواب این مطلب نوری، برخی فرموده‌اند:

اراده خصوص تناقض و تکاذب مناسب با توصیف کتاب و عزّت ندارد.[۳۵]

به عبارت دیگر این توصیف اقتضا دارد که جمیع اقسام باطل از این کتاب دور باشد.

این جواب نیاز به توضیح و تکمیلی دارد و آن این که ظاهر آیه شریفه آن است که این کتاب به طور مطلق عزیز است و عزّت مطلق اقتضا دارد که اراده خصوص تکاذب و تناقض نشود، زیرا که اگر کتاب از این جهت مصون باشد عزّت هم محدود به همین جهت خواهد بود.

مهمترین اشکالی که به این استدلال به آیه شریفه وارد شده است آن است که این استدلال مخالف با تفسیری است که بزرگان از عامه و خاصه در تفسیر آیه بیان داشته‌اند و به عبارت دیگر تفسیر آیه شریفه را به طوری که دلالت بر عدم تحریف نماید، احدی از مفسّرین احتمال نداده

دفاع از حریم قرآن، ص: ۴۵

است. مثلًا شیخ طوسی درکتاب تبیان در تفسیر آیه پنج احتمال داده است:

الف: مراد از عدم اتیان باطل آن است که شبهه‌ای به آن تعلّق نمی‌گیرد و تناقضی در آن راه نمی‌یابد. یعنی قرآن حق خالص است.

ب: قتاده و سدّی گفته‌اند مراد خداوند آن است که شیطان قدرت ندارد حقی را از آن کم کند و یا باطلی را به آن اضافه نماید.

ج: مراد آن است چیزی که قبل از قرآن و یا بعد از آن مبطل آن باشد وجود ندارد.

د: حسن، گفته است مراد آن است که باطل در اول آن یا آخر آن راه پیدا نمی‌کند.

ه: در اخباری که قرآن از گذشته یا آینده می‌دهد، باطلی راه پیدا نمی‌کند.

سید مرتضی فرموده است:

بهترین تفسیری که برای این آیه می‌شود یاد کرد آن است که کلامی که شبیه قرآن باشد نبوده است و قرآن شباهتی به کتب متأخّره از خود ندارد و این کتاب متّصل به کتب ماقبل نیست و کتب بعدی هم به او اتّصالی ندارند. یعنی کلامی است مستقل و قائم به خود و در نوع خود بی‌نظیر و بر هر کلامی که با آن مقایسه شود، برتری دارد.

در جوب از شبهه گفته می‌شود:

اوّلًا: برخی از این تفاسیر مانند آنچه که از قتاده و سدّی نقل شده است، مناسب با تفسیر آیه به تحریف دارد.

ثانیاً: فرض که هیچ یک از مفسّرین آیه را به مسئله تحریف، تفسیر ننموده باشند، لکن در محل خودش ثابت شده است که یکی از اصول تفسیر، ظواهر کتاب شریف است و ظاهر آیه شریفه بر این مطلب دلالت

دفاع از حریم قرآن، ص: ۴۶

دارد.

اما قول مفسّرین هیچ دلیلی بر اعتبار و اعتماد آن در تفسیر کتاب نیست، مگر این که قول آنان مستند به بیان معصوم علیه السلام باشد.

ثالثاً: روایاتی که در تفسیر این آیه برای توضیح باطل، مطالبی را بیان نموده‌اند، در مقام حصر نیستند، بلکه در مقام بیان ذکر مصداق می‌باشند.

دفاع از حریم قرآن، ص: ۴۷

نکته سیزدهم: آیا قول به تحریف مستلزم‌سقوط ظواهر کتاب از حجیّت است؟

آیا قول به تحریف مستلزم سقوط ظواهر کتاب از حجیّت و عدم جواز استدلال به آن است؟ این سؤال در صورتی صحیح است که مدّعی تحریف ادّعای علم اجمالی به وقوع تحریف داشته باشد.

برخی گفته‌اند در چنین فرضی در هر آیه‌ای که احتمال تحریف داده شود، می‌توان به اصل مهم عقلایی «عدم قرینه» تمسّک جست و استدلال به ظاهر آیه شریفه نمود.

به عبارت دیگر برای حجیّت کتاب تحریف شده نیاز به امضاء و تقریر معصومین علیهم السلام نداریم، بلکه از راه همین اصل عقلایی می‌توان به ظواهر آن استدلال نمود.

این بیان در صورتی صحیح است که عقلاء تمسّک به این اصل را مورد احتمال وجود قرینه متّصله تجویز نمایند، در حالی که بر طبق تحقیق، عقلاء در مواردی که مخاطب احتمال وجود قرینه جدا از کلام متکلّم یعنی قرینه منفصله را بدهد، اجازه تمسّک به این اصل را می‌دهند،

دفاع از حریم قرآن، ص: ۴۸

اما در مورد احتمال قرینه متّصله دیگر نمی‌توان به این اصل استمداد جست و در مسئله تحریف آنچه را که بعد از علم اجمالی، احتمال داده می‌شود، وجود یک قرینه متّصله‌ای است که در اثر تحریف محذوف گشته است.

بنابراین، در فرض علم اجمالی به تحریف، هیچ راهی برای تمسّک به ظواهر کتاب شریف غیر از تقریر و امضاء معصومین علیهم السلام نداریم و این مطلب مخالف با ظاهر حدیث ثقلین است.

دفاع از حریم قرآن، ص: ۴۹

نکته چهاردهم: دلالت حدیث ثقلین بر عدم تحریف

در میان روایات مهمترین حدیثی که دلالت بر عدم تحریف قرآن دارد، حدیث متواتر ثقلین است که در حدود ۳۳ هزار نفر از اصحاب بزرگ رسول خدا صلی الله علیه و آله مانند امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ابوذر، عبداللَّه بن عباس، عبداللَّه بن عمر، حذیفه و ابوایوب انصاری[۳۶] نقل نموده و در حدود ۲۰۰ تن از دانشمندان بزرگ اهل سنت آن را درکتابهای خودشان درج نموده‌اند.

متن آن حدیث شریف بر طبق یکی از اسناد آن این است که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

انّی تارِکٌ فیکُمَ الثَّقَلَیْنْ، کِتابَ اللَّه وَ عِتْرَتی وَ فیهِ الْهُدی وَ النُّور، فَتَمسَّکُوا بِکِتابِ اللَّه وَ خُذُوا بِهِ وَ أَهْلَ بَیْتی، أَذْکُرُکُم اللَّه فی أَهْلِ بَیْتی (ثَلاثَ مرّات).[۳۷]

راه اوّل: برای استدلال به این حدیث بر عدم تحریف کتاب از دو راه می‌تون استدلال نمود. این راه با توجه به شش مطلب روشن می‌شود:

الف: حدیث شریف دلالت دارد بر این که تمسّک به کتاب تا روز قیامت امکان‌پذیر است.

دفاع از حریم قرآن، ص: ۵۰

ب: تحریف کتاب مستلزم عدم امکان تمسّک به آن است.

ج: معنای تمسّک به قرآن، تمسّک به جمیع شؤونی است که قرآن متعرّض آن شده است و مراد خصوص تمسّک به موارد خاصی مانند آیات الاحکام نیست. به عبارت دیگر غرض از قرآن، مجرد بیان احکام و قوانین عملی نیست، بلکه هدایت و اخراج مردم از ظلمات به سوی نور است.

د: غرض از تحریف پنهان داشتن برخی از حقایق و خاموش نمودن بعضی از انوار کتاب شریف است و کتاب تحریف شده نمی‌تواند هدایت در جمیع جوانب و نور در جمیع الاطراف باشد، در حالی که غرض نهایی که قرآن شریف برای خود بیان می‌کند اخراج مردم از ظلمات به سوی نور است و رساندن آنان به مرتبه کامل انسانیت و درجات والای مادی و معنوی است و این غرض با تمسّک به آن حاصل می‌شود.

ه: تمسّک به قرآن برخلاف تمسّک به عترت، امری است که تحقّق آن فقط به وسیله رسیدن به خود قرآن امکان‌پذیر است، آن هم قرآنی که در اختیار مردم و بین مردم است، نه قرآنی که درنزد اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام محفوظ و از دسترس همگان خارج است.

و: از حدیث شریف استفاده می‌شود که تمسّک به کتاب، نه تنها امکان‌پذیر، بلکه واجب است و جمله خبری در مقام انشاء حکم تکلیفی است و در مباحث علم اصول روشن گشته که در تکالیف شرعی لازم است متعلّق آنها مقدور مکلّفین باشد و چنانچه قرآن دستخوش تحریف گشته باشد تمسّک به آن مقدور نخواهد بود.

راه دوّم: از این حدیث شریف استفاده می‌شود که هر کدام یک از این «دو

دفاع از حریم قرآن، ص: ۵۱

ثِقْل» یک حجّت مستقل و دلیل تامّی است در کنار دلیل دیگر، به این معنی که حجیّت هیچکدام متوقّف بر امضاء و تصویب دیگری نیست. البته این بدان معنی نیست که هر کدام به تنهایی کافی در رساندن به کمال مطلوب و خروج از گمراهی و رفع ظلمت است، بلکه این آثار بر مجموعه این دو ثقل مترتب است. بنابراین، چنانچه تحریفی در کتاب رخ داده باشد ظواهر آن از حجیّت ساقط می‌شود و قائلین به تحریف باید معتقد باشند که رجوع به کتاب محرّف محتاج به امضاء معصومین علیهم السلام است و این برخلاف ظاهر حدیث شریف است، چرا که ظاهر آن دلالت بر استقلال هر کدام یک از این دو دلیل دارد و اصولًا چطور می‌تواند حجیّت ثقل اکبر متوقّف بر ثقل اصغر باشد؟

از این دو راه نتیجه می‌گیریم که:

اوّلًا: تمسّک به کتاب شریف (قرآن) نه تنها ممکن، بلکه به عنوان یک تکلیف لازم الاجراء است.

ثانیاً: کتاب شریف به عنوان یک دلیل و حجّت مستقل مطرح است.

روشن و بدیهی است که قول به تحریف با هر یک از این دو مطلب که در نظر گرفته شود ناسازگار است.

دفاع از حریم قرآن، ص: ۵۲

نکته پانزدهم: نَسْخِ تلاوت و انساء

در بین کلمات علمای عامّه دو اصطلاح «نَسْخِ تلاوت» و «انْساء» به چشم می‌خورد و برخی از آنان[۳۸] جواز نسخ تلاوت را امری اجمالی که دلیل عقلی و نقلی بر وقوع آن دلالت دارد، می‌دانند. در ذیل این نکته بر آنیم که بررسی نماییم آیا این دو اصطلاح با عنوان تحریف مغایر می‌باشند یا این که پذیرفتن جواز نسخ تلاوت ملازم با جواز تحریف است؟

در کتب روایی، احادیثی وجود دارد که بزرگان علمای عامه را بر آن داشته است که آنها را به نسخ تلاوت توجیه نمایند. از جمله

روایتی که در آن مسئله رجم وارد شده است. ابن عباس از عمر روایت نموده است که او گفت: از آیاتی که بر پیامبر نازل شده است آیه رجم است: الشَّیْخُ وَ الشَّیخَهٍْ اذا زَنیا فَارْجَموهَما ... و پیامبر به این حکم در زمان خویش عمل نمود و ما هم بعد از او عمل کردیم.[۳۹]

زید بن ثابت می گوید:

از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: اگر مرد دارای زن یا زن دارای همسر زنا نمایند باید آنها را سنگسار نمود.

زید ادّعا

دفاع از حریم قرآن، ص: ۵۳

ننموده است که این کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله به عنوان وحی قرآنی بوده است، لکن عمر گمان کرده است که وحی قرآنی است و به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد که در کتاب آن را بنویسم؟

پیامبر به او پاسخی نفرمود.[۴۰]

اهل سنت گمان کرده‌اند که این حکم و کلام پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان آیه قرآن مطرح بوده است، لکن تلاوت و قرائت آن منسوخ شده است، اما حکم آن باقی مانده است.

بر این عقیده ایرادات مهمی وارد شده است، به قرار ذیل:

ایراد اوّل: نسخ از هر نوعی که باشد نیاز به ناسخ دارد و در این موارد ناسخی وجود ندارد.

ایراد دوّم: در محل خودش ثابت است که نسخ فقط در محدوده احکام شرعیه جریان دارد و تلاوت عنوان شرعی را ندارد. البته از این ایراد برخی از علماء آنان پاسخ داده‌اند[۴۱] که مراد از تلاوت، وجود خارجی آن نیست، بلکه مراد جواز تلاوت است که یکی از احکام شرعیه است.

ایراد سوّم: چه فایده‌ای در این نوع از نسخ وجود دارد که تلاوت منسوخ شود اما اصل حکم که مدلول آیه است باقی بماند؟

ایراد چهارم: مهم‌ترین ایراد را مرحوم محقّق خوئی بیان داشته‌اند، به این صورت که اگر این نسخ تلاوت در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله به دستور آن حضرت واقع شده باشد، گر چه این ملازم با تحریف نیست، اما چون روایاتی که دلالت بر این مطلب دارد یا حمل بر این نظریه می‌شود عنوان خبر واحد را دارند لذا کفایت در اعتماد نمی کنند، مضافاً بر این که در برخی از این روایات آمده است که این نوع نسخ بعد از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله

دفاع از حریم قرآن، ص: ۵۴

واقع شده است.

و اگر این نسخ توسط علما و ولادت بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله واقع شده باشد، این عین قول به تحریف و پذیرفتن آن است.[۴۲]

اما آنچه را که در مسئله رجم بیان داشته‌اند، بطلان آن بسیار روشن است، زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله که در ثبت آیات شریفه قرآن کمال دقت و مراقبت را داشته است و با اهتمام فراوان کُتّاب وحی را مأمور به این امر می‌فرمود، در صورتی که مسئله رجم از آیات قرآن بوده، چگونه و چرا دستور به ثبت آن در کتاب ندارد و در برابر سؤال عمر پاسخی نفرمود؟

بنابراین، مسئله نسخ تلاوت امری است که بطلان آن بسیار روشن و بدیهی است.

حتی برخی از معاصرین[۴۳] از اهل سنت گفته‌اند که گر چه عقلًا جایز است اما چنین نسخی در کتاب اللّه واقع نشده است و ابن حَزْمِ انْدَلْسی بعد از این که درابتدا نسخ تلاوت را پذیرفته است در انتهای کلام مسئله را طوری توجیه نموده است که مرتبط به وحی الهی نباشد.[۴۴]

دفاع از حریم قرآن، ص: ۵۵

نکته شانزدهم: شیعه نمی‌تواند معتقد به تحریف شود

شیعه نه تنها معتقد به تحریف قرآن نیست، بلکه اصولًا نمی‌تواند چنین اعتقادی را دارا باشد، زیرا ادلّه مهم که پایه اساسی اعتقادات شیعه را تشکیل می‌دهد آیه شریفه تطهیر است:

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً

در محل خودش ثابت شده است که این آیه دلالت واضح و روشنی به عصمت اهل بیت علیهم السلام دارد، عصمتی که مهمترین شرط برای زعامت و خلافت مسلمین است.

چنانچه کسی ادّعای تحریف در مورد قرآن را دارا باشد دیگر نمی‌تواند به این آیه شریفه برای اثبات مسئله عمصت استدلال نماید. هدف اصلی از این آیه شریفه هنگامی آشکار می گردد که بپذیریم قرآن کتاب منظمی است که آغاز آن با سوره مبارکه حمد است و تدوین آن در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله پایان یافته و بعداً نیز دستخوش هیچگونه حادثه‌ای نشده است و هر آیه‌ای در موقعیت مناسب خود قرار داد به طوری هک اگر در جای دیگر قرار گیرد مقصود خداوند

دفاع از حریم قرآن، ص: ۵۶

حاصل نمی‌شود. در این آیه شریفه غرض خداوند متعال آن است که در هنگام بیان وظیفه زنان پیامبر صلی الله علیه و آله تکالیف خاصی را برای اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام ذکر کند و به آنان گوشزد نماید که وظایف مخصوص به خود را دارند.

در هر صورت اگر احتمال تحریف در این گونه آیات داده شود دیگر اساسی برای اعتقادات امامیه باقی نمی‌ماند.[۴۵]

دفاع از حریم قرآن، ص: ۵۷

نکته هفدهم: بررسی کلی روایات تحریف

مهمترین دلیل قائلین به تحریف روایاتی است که سنّی و شیعه آنها را در کتب خود ذکر نموده‌اند و این روایات بر طبق احصاء برخی از محققین حدود ۱۱۲۲ روایت است و برخی از بزرگان تواتر اجمالی این روایات را پذیرفته‌اند به این معنی با وجود این که بسیاری از آنها از جهت سند ضعیف است، لکن کثرت روایات به حدّی است که موجب قطع به صدور برخی از آنان می‌شود و احتمال کذب تمامی آنها داده نمی‌شود. قائلین به تحریف، از این روایات استفاده نموده‌اند که در مواردی از کتاب شریف، تحریفها و نقصانهایی به وجود آمده است.

بزرگانی از علماء در مقام جواب از این روایات از دو جهت به آنها اشکال نموده‌اند.

جهت اول: اشکال از حیث سند و کتبی که این روایات در آنها جمع آوری شده است.

جهت دوم: اشکال از حیث دلالت.

اینک هر کدام از این دو جهت را باید

دفاع از حریم قرآن، ص: ۵۸

توضیح دهیم:

اما توضیح جهت اول:

در سند بسیاری از این روایات احمد بن محمد «سیّاری» است که به تعبیر رجال شناسان «فاسد المذهب» و «ضعیف الحدیث» است و نجاشی[۴۶] او را متهم به غلوّ می کند و ابن غضائری او را متهالك و منحرف معرفی نموده است.[۴۷]

از افرادی که در سند این روایات قرار گرفته‌اند «یونس بن ظبیان» است که در مورد او گفته شده است:

بسیار ضعیف است و در کتب او تماماً خَلْط وجود دارد.

و ابن غضائری او را غالی و کذّاب و جاعِلُ الحدیث معرفی نموده است.[۴۸]

سومین فردی که در سند این روایات قرار گرفته است علی بن احمد کوفی است که مؤلفین رجال او را ضعیف و فاسد الرّوایه و حتی از جمله غُلاةِ منحرف معرفی نموده‌اند.[۴۹]

بنابراین، روشن می‌شود افرادی که ناقل و مبیّن این روایات هستند از ضعفاء می‌باشند و روایات آنان اعتباری ندارد.

علاوه بر آنچه گفته شد باید توجه کنیم کتبی که این روایات در آنها آمده است غالباً خالی از اعتبار و حجیّت است.

الف: برخی از این روایات از رساله‌ای منسوب به سعد بن عبداللّه اشعری گرفته شده است که این رساله به نعمانی و سید مرتضی هم نسبت داده شده است و بنابراین واضع و مؤلف آن روشن نیست و احدی از رجال علم حدیث آن را معتبر نشمرده‌اند.

دفاع از حریم قرآن، ص: ۵۹

ب: پاره‌ای از احادیث از کتاب سلیم بن قیس هلالی اخذ شده است و شیخ مفید در مورد این کتاب فرموده است:

کتابی است که وثوقی به آن نیست و عمل به آن در کثیری از مواردش جایز نیست و در آن تخلیط و تدلیس به کار رفته است و آدم متدیّن باید از آن اجتناب نماید.[۵۰]

ج: سومین کتاب عبارت است از «کتاب التنزی و التحریف» و یا «کتاب قراءات» که مؤلف آن احمد بن محمد سیّاری است و قبلًا بیان شد که رجالیّین او را تضعیف نموده‌اند.

د: برخی از این روایات از تفسیر ادبی الجارود گرفته شده است که این شخص مورد لعن امام صادق علیه السلام قرار گرفته است، علاوه بر این، در سند این تفسیر کثیر بن عیاش واقع شده که ضعیف است.

ه: یکی از آن کتب «تفسر علی بن ابراهیم قمی» که منسوب به اوست و تلفیقی است از املائاتی که او به شاگردش ابوالفضل العباس بن محمد علوی نموده و همینطور مخلوط است با تفسیر ابی‌الجارود.

و: یکی از مدارك این رایات «کتاب استغاثه» علی بن احمد الکوفی است که ابن غضائری او را تکذیب و متهم به غلوّ نموده است.

ز: پاره‌ای از این احادیث از احتجاج طبرسی آمده است که روایات آن غالباً مرسل است و به عنوان یك کتاب روایی نمی‌توان به آن استدلال نمود.

ح: اکثر این روایات در کتاب شریف کافی نیز واردشده است، لکن صرف وجود روایتی در یك کتاب به معنای صحّت آن و جواز عمل به آن نیست.

برخی ادّعا نموده‌اند که در میان ۱۶۱۹۹ حدیث در کافی مقدار ۵۱۷۲

دفاع از حریم قرآن، ص: ۶۰

حدیث آن صحیح است و در حدود ۱۴۴ حدیث عنوان حسن را دارد و مقدار ۲۱۲۸ حدیث موثّق و ۳۰۲ حدیث قوی وجود دارد و مقدار ۷۴۸۰ حدیث آن ضعیف است.[۵۱]

توضیح جهت دوم:

این روایات از حیث دلالت دارای یك مضمون نیستند و به چند دسته تقسیم می‌شوند:

دسته اول: برخی از این روایات مربوط به تحریف معنوی است که از محل نزاع ما خارج است.

دسته دوم: پاره از این روایات دلالت بر اختلاف قرائت داردکه از محل بحث تحریف خارج است.

دسته سوم: روایاتی که‌در مقام‌توضیح یاتفسیر یک‌آیه وارد شده است که برخی گمان کرده‌اند آنچه به عنوان تفسیر آیه واقع شده است در واقع از متن قرآن کریم بوده است.

مانند این حدیث شریف:

رَوی الکُلینی بأسنادِهِ عَنْ موسی بن جعفر علیه السلام فی قوله تعالی: اولئك الَّذینَ یَعْلم اللّه ما فی قُلُوبِهُم فاعرض عَنْهم و عِظْهم وَ مَثّل فی أَنْفسهم قَوْلًا بلیغا. انه- علیه السلام- تلاهذه الایهٔ إلی قوله: «فاعرض عنهم» و اضافَ: «فَقَد سَبَقَتْ عَلَیْهم کَلِمهُ الشَّفاءِ وَ سَبَقَ لَهُمَ الْعَذاب» وتلا بقیّهٔ الایهٔ.[۵۲]

محدث نوری فرموده:

ظاهر سیاق خبر آن است که این زیاده از قرآن است و تفسیر نیست.[۵۳]

علامه مجلسی و دیگران تصریح دارند به این که این جمله

عنوان

دفاع از حریم قرآن، ص: ۶۱

تفسیری را دارد.

دسته چهارم: روایاتی که دلالت دارد بر این که در برخی از آیات کتاب، اسم مبارك امیرالمؤمنین علی علیه السلام و ائمه مصعومین علیهم السلام ذکر شده بوده است. این روایات هم در مقام توضیح و تأویل آیات شریفه‌اند و دلالت ندارد بر این که اسامی ائمه علیهم السلام به عنوان جزئی از قرآن بوه و حذف شده است.

دسته پنجم: روایاتی که دلالت بر ذکر اسامی افرادی از قریش، در قرآن دارد که گویا تحریف کنندگان آنها را حذف نموه و فقط اسم ابی‌لهب را باقی گذاشته‌اند.

این روایات دارای دو اشکال است:

۱- بین خود این روایات تناقض وجوددارد، زیرا در برخی از آنها عدد محذوف را هفتاد و در برخی دیگر هفت قرار داده است.

۲- ملاحظه مضامین این روایات شهادت به کذب آن می‌دهد و اصولًا چه وجهی در میان بوده است که در میان اسامی، اسم ابی‌لهب محفوظ بماند.

دسته ششم: روایاتی که دلالت دارد براین که بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله برخی از کلمات تغییر داده شده است و مکان آنها کلمات و الفاظ دیگری آورده شده و به تعبیر دیگر این روایات دلالت دارد بر وقوع تحریف هم به زیادت و هم به نقیصه.

این دسته نیز مخالف با اجماع است، زیرا مسلمین اتفاق نظر دارند بر اینکه بر قرآن حتی یك حرف هم اضافه نشده است.

دسته هفتم: روایاتی که در شأن حضرت حجت عجل اللّه تعالی فرجه الشریف وارد شده که آن حضرت بعد از ظهور خود، مردم را ملزم

دفاع از حریم قرآن، ص: ۶۲

می‌کنند به قرائت مصحف علی علیه السلام که در نزد او است.

این روایات اگر چه دلالت بر اختلاف مصحف امیرالمؤمنین علیه السلام با مصحف موجود دارد، لکن این اختلاف از حیث متن قرآن نیست بلکه اختلاف در نظم و ترتیب و بعضی از شروح و توضیحات است.

دسته هشتم: روایاتی که دلالت بر وقوع نقیصه در کتاب شریف دارد و اینها سه قسم‌اند:

قسم اول: دلالت دارد بر اینکه عدد واقعی آیات کتاب بیش از قرآن موجود است.

قسم دوم: دلالت دارد که برخی از سوره‌هایی که در قرآن موجوداست عدد آیات آنها کمتر از مقدار واقعی است.

قسم سوم: دلالت بر نقصان کلمه یا آیه‌ای دارد.

در جواب از این طائفه باید گفت:

اولًا: این روایات مخالف با قرآن است و باید از آنها اعراض نمود.

ثانیاً: در میان این طائفه روایات متعارضه فراوان وجود دارد که مضمون اینها را رد می‌کنند.

ثالثاً: چنانچه در میان اینها خبر صحیحی وجود داشته باشد، عنوان خبر واحد را دارد و طبق قاعده، در چنین امری نمی‌توان به خبر واحد تمسّک جست.

رابعاً: برخی از اخبار حاکی از سقط و حذف اسامی مبارک ائمه علیهم السلام است که قبلًا گفتیم این گونه روایات را باید حمل بر تأویل یا تفسیر یا بیان مصداق نمود.

والحمد للّه‌ربّ العالمین[۵۴]

---

[۱] (۱)- این نوشته نخستین بار در یک مجمع و گردهمایی علمی ارائه شده است و منظور از« این مجمع عظیم» همان گردهمایی است.

[۲] (۱)- حج ۲۲/ ۱۱.

[۳] (۲)- کشاف ج ۲/ ۱۴۶.

[۴] (۳)- نساء ۴/ ۴۶.

[۵] (۱)- مفردات ص ۱۱۲.

[۶] (۲)- تفسیر کبیر ج ۶، ص ۱۱۷، طبع قدیم.

[۷] (۱)- البیان ص ۲۱۵.

[۸] (۱)- نساء ۴/ ۴۶.

[۹] (۲)- کافی، ج ۸، ص ۵۳ و الوافی فی آخر کتاب الصلاة.

[۱۰] (۱)- عوإلی اللئالی ج ۴، ص ۱۰۴.

[۱۱] (۱)- آلاء الرحمن بلاغی، ص ۱۵.

[۱۲] (۱)- مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۵.

[۱۳] (۲)- مقدمه تفسیر تبیان.

[۱۴] (۱)- مجمع البیان ۱/ ۱۵.

[۱۵] (۲)- سعد السعود، ص ۱۴۴.

[۱۶] (۳)- همان مدرک، ص ۱۹۳.

[۱۷] (۴)- تفسیر صافی، ج ۱، ص ۵۱.

[۱۸] (۵). آلاء الرحمن، ص ۲۶.

[۱۹] (۱). اظهار الحق، ج ۲، ص ۱۲۹.

[۲۰] (۲). کشف الغطاء، ص ۲۹۹.

[۲۱] (۱). بحار الانور باب افتراق الامهٔ بعد النبی، ج ۸، ص ۴.

[۲۲] (۲). مراجعه شود به البیان، ص ۲۲۱.

[۲۳] (۱). صیانهٔ القرآن عن التحریف، ص ۹۴.

[۲۴] (۱). فصل الخطاب، ص ۳۶۰.

[۲۵] (۱). اکذوبهٔ تحریف القرآن، ص ۴.

[۲۶] (۲). مدخل التفسیر، ص ۲۰۲.

[۲۷] (۱). جهت توضیح این دلیل مراجعه شود به مدخل التفسیر، ص ۲۹۲.

[۲۸] (۱). گفتار آسان در نفی تحریف قرآن.

[۲۹] (۲). البیان، ص ۲۱۵.

[۳۰] (۱). گفتار آسان در نفی تحریف، ص ۱۲.

[۳۱] (۱). فصلت، ۴۱ و ۴۲.

[۳۲] (۲). صیانهٔ القرآن عن التحریف، ص ۳۳.

[۳۳] (۳). البیان، ص ۲۱۱.

[۳۴] (۱). فصل الخطاب، ص ۳۶۱.

[۳۵] (۲). البیان، ص ۲۱۱.

[۳۶] (۱). آلاء الرحمن، ص ۴۴.

[۳۷] (۲). سنن دارمی، ج ۲، ص ۴۳۱.

[۳۸] (۱). الاحکام فی اصول الاحکام، جزء سوم، ص ۱۵۴.

[۳۹] (۲). مسند احمد بن حنبل ۱/ ۴۷.

[۴۰] (۱). محلی ابن حزم، ج ۱، ص ۲۳۵.

[۴۱] (۲). الاحکام آمدی ۳/ ۱۵۵.

[۴۲] (۱). البیان، ص ۲۰۶.

[۴۳] (۲). فتح المنان فی نسخ القرآن، ص ۲۲۴.

[۴۴] (۳). محلی، ج ۱۰، ص ۵۸.

[۴۵] (۱). برای توضیح بیشتر مراجعه شود به کتاب اهل البیت یا چهره‌های درخشان.

[۴۶] (۱). رجال نجاشی، ص ۵۸.

[۴۷] (۲). قاموس الرجال، ج ۱، ص ۴۰۳.

[۴۸] (۳). خلاصهٔ الرجال، ص ۲۶۶.

[۴۹] (۴). دراسات فی الحدیث و المحدثین، ص ۱۹۸.

[۵۰] (۱). تصحیح الاعتقاد، ص ۷۲.

[۵۱] (۱). دراسات فی الحدیث و المحدثین، ص ۱۳۷.

[۵۲] (۲). روضه کافی ۸/ ۱۸۴.

[۵۳] (۳). فصل الخطاب، ص ۲۷۵.

[۵۴] آیت الله محمد جواد فاضل لنکرانی، دفاع از حریم قرآن، ۱جلد، عقل سرخ – قم، چاپ: اول، ۱۳۸۱ه.ش.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۶۰۹۰به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹